



# اجلاس کارشناسی احیای اکوسیستمهای جنگلهای تخریب شده

(لیسبون، ۸-۴ تیرماه ۱۳۷۵)

■ داریوش تمدنی

■ دولت‌ها می‌باید دانش محلی را شناسایی کرده، سعی در انتشار آن نمایند، به علاوه، از نحوه مدیریت و حفاظت از منابع طبیعی آگاهی داشته باشند. ضمناً می‌باید سعی در ترویج و ارتقای تجارب و ابتکارات محلی جوامع داشته باشند.

■ دولت‌ها می‌باید سعی در ترویج و ارتقای آموزش جامعه، به خصوص محرومان، زنان و جوانان که مدیریت پایدار منابع درآینده به آنها واگذار خواهد گردید، داشته باشند. به علاوه، از توسعه یا ارتقای دوره‌های آموزشی فنی و دانشگاهی که شامل موضوعاتی در زمینه بیابان‌زایی و مدیریت منابع طبیعی در مناطق خشک هستند، حمایت و پشتیبانی کنند.

■ به عنوان نتیجه تعهد و التزام سیاسی قوی مورد انتظار، دولت‌ها می‌باید تخصیص‌های مالی مناسبی را جهت حفاظت، مدیریت و توسعه پایدار منابع جنگلی مناطق خشک در سطح ملی تأمین کنند. همچنین، افزایش سرمایه‌گذاری از منابع جوامع محلی در سطح محلی را ترویج نمایند.

■ دولت‌ها می‌باید، شبکه‌های تحقیقاتی تعاونی در زمینه جنگلداری، جنگلکاری دهقانی، حفاظت آب و خاک شامل شبکه‌های ویژه در خصوص تکنولوژی‌ها یا گونه‌های چندگانه بهره‌برداري از ویژگی راهبردی را ایجاد و حمایت کنند.



## ■ مقدمه

این اجلاس را دولتهای پرتغال، کیپ‌ورد و سنگال با همکاری سازمان خواروبار کشاورزی و حمایت اتحادیه اروپا، سازماندهی و برگزار کردند. در اجلاس مذکور، ۱۲۴ کارشناس از ۵۸ کشور اروپایی، امریکای شمالی، امریکای لاتین و منطقه کارائیب، آسیا، خاور نزدیک و شمال افریقا، جنوب صحرائی افریقا، اتحادیه اروپا و سازمانهای بین‌المللی، شامل: اعضای کمیته برگزار کننده از UNDP / UNSO، دبیرخانه IPI و دبیرخانه CCD حضور داشتند. سایر سازمانهای دارای نماینده در این اجلاس، عبارت بودند از: ITTO، CIHEAM، IUFRO و OSS.

هدف اساسی اجلاس، پاسخ به اطلاعاتی و فراخوان IPI جهت ارائه گزارش در زمینه تجارب مناسب درباره جنگلکاری و احیای اکوسیستمهای جنگلی، خصوصاً در کشورهای دارای اکوسیستمهای شکننده به واسطه «بیابان‌زایی یا خشکسالی» بود. این هدف، باید شامل زنجیره‌های ارتباطی جهت اجرای کنوانسیون ملل متحد در خصوص مبارزه با بیابان‌زایی در کشورهای متأثر از خشکسالی یا بیابان‌زایی جدی، به ویژه در افریقا باشد.

اولین روز از برنامه اجلاس، شامل: معرفی چهارمقاله با موضوعات و عناوین ذیل بود:

- ۱- وضعیت کنونی تخریب و فرسایش اکوسیستمهای شکننده در مناطق خشک و نقش جنگلکاری در تجدید آنها
- ۲- جنگلکاری، احیای جنگل و تجدید زمینهای فرسایش یافته، شناسایی تنگناها و ترویج راهبردهایی جهت توسعه پایدار جنگل
- ۳- نقش جنگلکاری در نیل به اهداف کنوانسیون مبارزه با بیابان‌زایی
- ۴- جنگلکاری، احیای جنگل و همکاری بین‌المللی در کشورهای متأثر از بیابان‌زایی و خشکسالی

در ضمن، روزهای دوم و سوم اجلاس، به کار در چهار گروه منطقه‌ای ذیل اختصاص یافت:

- منطقه افریقا (صحرا)
  - منطقه آسیا
  - منطقه مدیترانه
  - منطقه امریکای لاتین و کارائیب
- در این گروهها، موضوعات ذیل ارائه و مورد

بحث و بررسی قرار گرفتند:

● پیگیری و تکمیل قوانین جهت حمایت از جنگلکاری، احیای جنگل و تجدید نظامهای جنگل، به خصوص در افریقا

- تجارب و موقعیتهای در این رابطه در جنوب صحرائی افریقا به ویژه، منطقه ساحل

● جنگلکاری و احیای جنگل و تجدید نظامهای جنگل در کشورهای آسیایی که مواجه با خشکسالی و بیابان‌زایی هستند.

● پیگیری و تکمیل قوانینی در خصوص جنگلکاری، احیای جنگل و تجدید نظامهای جنگل در کشورهای جنوب اروپا، خاور نزدیک و شمال افریقا با اکوسیستمهای شکننده یا اکوسیستمهای متأثر از بیابان‌زایی و خشکسالی.

● بخش جنگلکاری و اکوسیستمهای شکننده در امریکای لاتین و منطقه کارائیب.

گروههای منطقه‌ای، مجموعه‌ای از نتایج و طرحهای منطقه‌ای را جهت اجرا تهیه کردند. این مجموعه، توسط گروه تهیه کننده پیش‌نویس اجلاس تکمیل و در جلسه‌ای مفصل در روز پنجم اجلاس (پس از سفر میدانی در روز پنجشنبه ۷ تیرماه ۷۵) ارائه شد.

## ■ ملاحظات کلی

در اجلاس فوق، نتایج، ملاحظات و نکات برجسته کلی ذیل، حاصل گردید:

- اجلاس تصدیق کرد که کار IPF، اهمیت و ویژگی فراوانی به اکوسیستمهای جنگل داده است، به علاوه، زنجیره‌های ارتباطی مستحکمی با فرآیند دستورالعمل ۲۱ و کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با بیابان‌زایی و نیز کنوانسیونهای تغییرات اقلیمی و تنوع بیولوژیکی به وجود آورده است

- اهمیت دادن به منابع درختی و جنگلی جهت امرار معاش جوامع در مناطق خشک و نیاز به یک رهیافت یکپارچه جهت حفاظت، توسعه و مدیریت پایدار آنها، شامل جنگلکاری و احیای جنگل

- نیاز به نگهداری درختان و جنگلها در بهره‌برداری از زمین جهت تداوم (پایداری) نظامهای پربازده

- جنگلکاری، بخشی از یک رهیافت کلیت‌گرا، جهت بیابان‌زدایی و تکمیل کننده اقدامات در سایر بخشها، در این زمینه است

- اجلاس برخی از مسایل، تنگناها و موقعیتهای مربوط به مناطق خشک را مورد توجه قرار داد

## ■ تنگناها و معضلات

- در حاشیه قرارگرفتن جوامع محرومیت‌زده مناطق خشک، عدم توجه سیاسی نسبت به آنها، نظام اداری و تخصیص منابع نامتناسب، جهت حل معضلات آنها

- کاهش منابع موجود به دلیل فشار جمعیت و عملیات نامناسب کشاورزی

- وضعیت شدید ناامنی غذایی و تأمین آب نامطلوب

- فقدان امنیت در امور حقوقی مربوط به تملک زمین، جنگل و دسترسی به منابع طبیعی

- عدم اطلاع کافی جوامع، خصوصاً سیاستگذاران از دلایل، فرآیندها و اهمیت فرسایش زمین و بیابان‌زایی

- برخی تغییرات اقلیمی و اکولوژیکی، شامل خشکسالیهای مفرط یا بارانهای سیل‌آسا که موجب تشدید شرایط اقتصادی و اجتماعی جوامع می‌شود و بر بهره‌وری بیولوژیکی اکوسیستمها تأثیر می‌گذارد

- میزان شتابان فرسایش منابع، به ویژه، جنگلها (نسبت جنگلکاری به تخریب جنگل در سطح جهانی، (۱ به ۶ می‌باشد)، به دلیل سوءمدیریت، بهره‌برداری مفرط، آتش‌سوزی جنگلها و گسترش کشاورزی منجر به فرسایش کلی اکوسیستم

- درک نامناسب سیاستگذاران از نیازها، ارزشهای فرهنگی و دانش محلی بهره‌برداران

- فقدان فرصتها و موقعیتهای برای جوامع محلی، جهت بیان نیازها و مسایل مورد علاقه خود

- حلقه‌های ارتباطی ضعیف بین بخشی، فقدان یکپارچگی، جریان اطلاع‌رسانی نامناسب بین

مسئولین مراحل برنامه‌ریزی و اجرای توسعه و بدتر از آن، تعدد چارچوبهای تکراری برنامه‌ریزی - فقدان ترویج و ارتباطات کافی آموزشی جهت نظامهای توسعه در مناطق خشک

- دسترسی محدود به آموزشهای فنی، پایین بودن سطح اجرای آموزشهای فنی موجود و انتقال ناکافی تکنولوژی

## ■ موقعیتهای و فرصتها

- وجود سازمانهای اجتماعی در جوامع خشک که

تکامل و رشد راهبردهای مکتوب را میسر می‌سازند

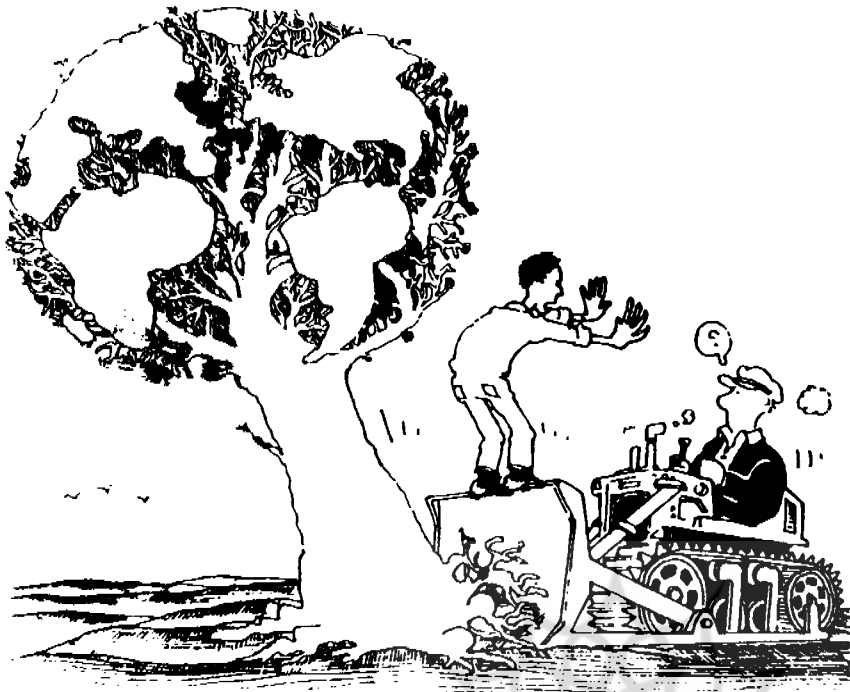
- تجارب فزاینده و وجود سازمانهای غیردولتی
- امکان ارایه خدمات اکولوژیکی، درآمد و اشتغال ناشی از منابع طبیعی تحت مدیریت مستمر که منجر به تشویق و ترغیب جهت مبارزه با بیابان‌زایی می‌شوند
- آگاهی و اطلاع به موقع از معضلات در افریقا، به علاوه، وجود مجموعه سازمانهای منطقه‌ای که جهت حل مسائل مربوط به خشکسالی و بیابان‌زایی در نظر گرفته شده‌اند
- وجود برخی تجارب موفق که به راه‌حلهای ممکن و معتبر اشاره دارند
- وجود کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با بیابان‌زایی

### ● پیشنهادهای اجرایی

اجلاس، براساس ملاحظات کلی و بررسی کامل و همه‌جانبه مباحث و تصمیمات دبیرخانه، پیشنهادهای ذیل را که جهت ملاحظه به IPI ارایه شده‌اند، تدوین نمود:

### ● خط‌مشی و نهادهای اداری

- ۱- دولتهای متبوع، تعهد و التزام سیاسی قوی خود را در توجه به مسایل مناطق خشک، شامل: حفاظت از منابع جنگلی، مدیریت و توسعه پایدار اعلام داشته و تا سال ۲۰۰۱ میلادی این پیشنهادها را به صورت مجموعه‌ای صریح در حیطه سیاستهای ملی جنگلداری خود، در خصوص درگیرکردن مردم و مدیریت مناسب اکوسیستمها، هماهنگ با وضعیت اقتصادی و اجتماعی، ارایه خواهند داد.
- ۲- دولتها باید یکسری اصلاحات اداری را تدوین و اجرا کنند. اصلاحاتی که جامعه شهری و سازمانهای غیردولتی را در این زمینه درگیر کرده، باعث تقویت جوامع محلی شده، تسهیلاتی در نظام مدیریت و حفاظت از منابع طبیعی فراهم نموده است؛ همچنین، قابلیت دسترسی مسؤولین به منابع مالی در سطح ملی و محلی را تأمین نماید.
- ۳- دولتها باید به فوریت و به‌طور اضطراری، اصلاحاتی را در زمینه تملک اراضی که موجب امنیت بیشتری در مورد سرمایه‌گذارها می‌شوند اتخاذ کنند.



۴- جامعه بین‌المللی و دولتهای متبوع باید با توجه به تقاضاهای فزاینده در خصوص جنگلداری و کاهش منابع تخصیصی به آن، منابع انسانی و مالی را جهت بخشهای جنگلداری خصوصی و دولتی تقویت کنند.

### ● مدیریت منابع

- ۵- دولتها باید مکانیسمها و ظرفیتهای ملی را جهت نظارت بر وضعیت منابع طبیعی، خصوصاً درختان، جنگلها و فرآیندهای مؤثر بر آنها تدوین کنند، به نحوی که، بتوانند راهبردهای حفاظت، احیا و توسعه را طراحی نمایند. در این راستا، کشورها می‌باید ترغیب شوند تا یکسری اهداف و چارچوبهای زمانی ویژه را وضع کنند.
- ۶- دولتها باید مجموعه تصمیمات زمانبندی شده حمایتی جهت اداره ایستگاههای جنگلی طبیعی یا مصنوعی تخریب نشده، همچنین، تمامی گونه‌های پوشش گیاهی را براساس و بنیانی پایدار اتخاذ کنند. بعبارت دیگر، برخی اقدامات احیا یا استفاده از پتانسیل روشهای ملی یا بیگانه و تکنولوژی مناسب پذیرفته شده، توسط جوامع محلی انجام شوند، مشروط بر این که اثرات آنها، قبلاً، ارزیابی شده باشد.
- ۷- دولتها باید تلاشهای آغاز شده جهت تعیین و

اجرای ضوابط و شاخصهای مدیریت پایدار جنگلهای مناطق خشک را تعقیب و پیگیری کنند. ۸- با توجه به اثرات احتمالاً مثبت یا منفی عملیات جنگلداری و احیای جنگلها، دولتها می‌باید یکسری سیاستها را تحت عنوان «رهنمودهایی برای حفاظت و مدیریت صحیح محیط زیست در جنگلداری به مقیاس وسیع» تدوین کنند. سیاستهایی که از طریق آن، ترانین یا نظام مدیریتی در ایجاد جنگلداری تکامل یابد و در مقابل، مطالعات مربوط به تأثیرات جنگلداری که ضرورتاً انجام می‌پذیرد، ارزیابی خواهد شد. ۹- ارزیابیهای زیست‌محیطی و اقتصادی درباره تغییرات در ثروتهای طبیعی (جنگلها و غیره) تا سال ۲۰۰۱ میلادی در حداقل ۲۰ درصد از کشورهای متأثر از بیابان‌زایی اجرا شود.

### ● اقتصاد بخش و سرمایه‌گذاری

۱۰- دولتها می‌باید بر اهمیت این موضوع واقف شوند، که اکوسیستمهای جنگل در مناطق خشک می‌توانند خدمات، اشتغال و درآمد را تأمین کنند (هرچند که هدف اصلی از مدیریت آنها، حفاظت از بنیان منابع، همچنین، جلوگیری از فرسایش بیابان‌زایی است)، لذا، توسعه و بهره‌برداری اقتصادی از تولیدات جنگلی از طریق

ایستگاه‌های طبیعی یا جنگلکاری می‌باید معمول گردد، حمایت شود و گسترش یابد.

### ● آموزش، ترویج و توسعه منابع انسانی

۱۱- دولت‌ها می‌باید دانش محلی را شناسایی کرده، سعی در انتشار آن نمایند، به علاوه، از نحوه مدیریت و حفاظت از منابع طبیعی آگاهی داشته باشند. ضمناً می‌باید سعی در ترویج و ارتقای تجارب و ابتکارات محلی جوامع داشته باشند.

۱۲- دولت‌ها می‌باید سعی در ترویج و ارتقای آموزش جامعه، به خصوص محرومان، زنان و جوانان که مدیریت پایدار منابع درآینده به آنها واگذار خواهد گردید، داشته باشند. به علاوه، از توسعه یا ارتقای دوره‌های آموزشی فنی و دانشگاهی که شامل موضوعاتی در زمینه بیابان‌زایی و مدیریت منابع طبیعی در مناطق خشک هستند، حمایت و پشتیبانی کنند.

۱۳- آن دسته نظام‌های ترویج که به عنوان مکانیسم‌ها و ساختارهای یکپارچه، قادر به جوابگویی به انتظارات و نیازهای جوامع روستایی و شهری به حساب می‌آیند. مجدداً سازماندهی و تقویت شوند. این موضوع، موجب پذیرش آسانتر یک رهیافت مشارکتی است. رهیافتی که باعث درگیری بیشتر جوامع شامل مردم بومی می‌شود و توان بحث و گفتگوی آنها را افزایش می‌دهد. این کار باید به وسیله اطلاع‌رسانی صحیح مسئولین و افکار عمومی حمایت و پشتیبانی شود.

۱۴- به عنوان نتیجه تعهد و التزام سیاسی قوی مورد انتظار، دولت‌ها می‌باید تخصیص‌های مالی مناسبی را جهت حفاظت، مدیریت و توسعه پایدار منابع جنگلی مناطق خشک در سطح ملی تأمین کنند. همچنین، افزایش سرمایه‌گذاری از منابع جوامع محلی در سطح محلی را ترویج نمایند.

۱۵- جهت ارتقا و ترویج اشتغال بخش خصوصی در توسعه منابع جنگلی، دولت‌ها می‌باید یکسری مکانیسم‌های سرمایه‌گذاری را که تأمین‌کننده دسترسی آسان به منابع مالی جهت افراد، گروه‌ها و جوامع تولیدکننده است، تدوین نمایند.

### ● ابتکارات منطقه‌ای

۱۶- دولت‌ها می‌باید نهادهای منطقه‌ای و ناحیه‌ای را تقویت نمایند و همکاری میان آنها و برنامه‌های معرفی شده توسط آنها را ترویج کنند.

۱۷- دولت‌ها می‌باید، شبکه‌های تحقیقاتی تعاونی در زمینه جنگلداری، جنگلکاری دهقانی، حفاظت آب و خاک شامل شبکه‌های ویژه در خصوص تکنولوژیها یا گونه‌های چندگانه بهره‌برداری از ویژگی راهبردی را ایجاد و حمایت کنند.

### ● سطح بین‌المللی

۱۸- شناسایی کامل شرایط وخیم اقتصادی برخی از کشورهای متأثر از بیابان‌زایی در مناطق خشک، جلوگیری از هرگونه توسعه جدی آن، با ارایه راه‌حل‌های بلندمدت و پایدار، جهت چنین شرایطی و ایجاد مکانیسم‌های ابتکاری سرمایه‌گذاری (وام‌هایی جهت مبادلات طبیعت و بهره‌برداری بهتر از GEF جهت مناطق خشک) می‌باید صورت پذیرد.

۱۹- IPF می‌باید راه‌های عملی را بررسی کند، به گونه‌ای که، مستلزم تکرار با سازمان‌های موجود در تداوم گفتگو و تبادل نظر پیرامون خط‌مشی‌ها در زمینه اکوسیستم‌های جنگلی فرسوده نباشد.

### ■ پیشنهادهای اصلی

۱- دولت‌های متبوع، تعهد و التزام سیاسی قوی خود را در توجه به مسائل مناطق خشک، شامل حفاظت از منابع جنگلی، مدیریت و توسعه پایدار اعلام داشته و تا سال ۲۰۰۱ میلادی این پیشنهادها را به صورت مجموعه‌ای صریح در حیطه سیاست‌های ملی جنگلداری خود در خصوص درگیرکردن مردم و مدیریت مناسب اکوسیستم‌ها، هماهنگ با وضعیت اقتصادی و اجتماعی، ارایه خواهند داد.

۲- دولت‌ها می‌باید یکسری اصلاحات اداری را تدوین و اجرا کنند. اصلاحاتی که جامعه شهری و سازمان‌های غیردولتی را در این زمینه فعال کند، باعث تقویت جوامع محلی شود و تسهیلاتی در نظام مدیریت و حفاظت از منابع طبیعی فراهم نماید. همچنین، قابلیت دسترسی مسئولین به منابع مالی در سطح ملی و محلی را تأمین نماید.

۳- دولت‌ها باید به فوریت و به طور اضطراری، اصلاحاتی را در زمینه تملک اراضی که موجب امنیت بیشتری در سرمایه‌گذاریها می‌شوند، اتخاذ کنند.

۴- دولت‌ها باید مکانیسم‌ها و ظرفیتهای ملی را جهت نظارت بر وضعیت منابع طبیعی، خصوصاً،

درختان، جنگل‌ها، و فرآیندهای مؤثر بر آنها تدوین کنند، به نحوی که، بتوانند راهبردهای حفاظت، احیا و توسعه را طراحی نمایند. در این راستا، کشورها باید ترغیب شوند تا یکسری اهداف و چارچوب‌های زمانی ویژه را وضع کنند.

۵- دولت‌ها می‌باید مجموعه اقدامات زمانبندی شده‌ی حمایتی جهت اداره ایستگاه‌های جنگلی طبیعی یا مصنوعی تخریب نشده، همچنین، تمامی گونه‌های پوشش گیاهی را بر اساس و بنیانی پایدار اتخاذ کنند. به عبارت دیگر، برخی تصمیمات احیا با استفاده از پتانسیل روش‌های ملی یا بیگانه و تکنولوژی مناسب پذیرفته شده توسط جوامع محلی اتخاذ گردند، مشروط بر این که اثرات آنها، قبلاً ارزیابی شده باشد.

۶- عریا توجه به اثرات احتمالاً مثبت یا منفی عملیات جنگلکاری و احیای جنگل‌ها، دولت‌ها می‌باید یکسری سیاست‌ها را تحت عنوان «رهنموده‌هایی برای حفاظت و مدیریت صحیح محیط زیست در جنگلکاری به مقیاس وسیع» تدوین کنند. سیاست‌هایی که از طریق آن، قوانین یا نظام مدیریتی در ایجاد جنگلکاری تکامل یابد و در مقابل، مطالعات مربوط به تأثیرات جنگلکاری که ضرورتاً انجام می‌پذیرد، ارزیابی خواهد شد.

۷- دولت‌ها باید سعی در ترویج و ارتقای آموزش جامعه، خصوصاً، محرومان، زنان و جوانان که مدیریت پایدار منابع در آینده به آنها واگذار خواهد گردید، داشته باشند. به علاوه، از توسعه یا ارتقای دوره‌های آموزشی فنی و دانشگاهی که شامل موضوعاتی در زمینه بیابان‌زایی و مدیریت منابع طبیعی در مناطق خشک هستند، حمایت و پشتیبانی کنند.

۸- شناسایی کامل شرایط وخیم اقتصادی برخی از کشورهای متأثر از بیابان‌زایی در مناطق خشک، جلوگیری از هرگونه توسعه جدی آن، ارایه راه‌حل‌های بلندمدت و پایدار جهت چنین شرایطی و ایجاد مکانیسم‌های ابتکاری سرمایه‌گذاری (وام‌هایی جهت مبادلات طبیعت و بهره‌برداری بهتر از GEF جهت مناطق خشک) می‌باید صورت گردد.

۹- IPF می‌باید راه‌های عملی را بررسی کند، به گونه‌ای که، مستلزم تکرار با سازمان‌های موجود در تداوم گفتگو و تبادل نظر پیرامون خط‌مشی‌ها در زمینه اکوسیستم‌های جنگلی فرسوده نباشد.